

توسعه فردی و تحول سازمانی

شناسایی مولفه‌های جامعه‌شناختی اشتغال زنان بر اقتدار خانواده: مطالعه کیفی با رویکرد تحلیل تم در میان مادران شاغل منطقه یک تهران

شیوه استناددهی: جوادی، نسرین، رحمانی فیروز جاهد، علی، عباسی اسفنجیر، علی اصغر، و پهلوان، منوچهر. (۱۴۰۴). شناسایی مولفه‌های جامعه‌شناختی اشتغال زنان بر اقتدار خانواده: مطالعه کیفی با رویکرد تحلیل تم در میان مادران شاغل منطقه یک تهران. توسعه فردی و تحول سازمانی، ۳(۱)، ۱-۱۷.

نسرین جوادی^۱، علی رحمانی فیروز جاهد^۲، علی اصغر عباسی اسفنجیر^۱، منوچهر پهلوان^۱

۱. گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Ali.Rahmanni@iau.ac.ir

چکیده

تاریخ چاپ: ۳۱ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۸ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۵ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ ارسال: ۱ فروردین ۱۴۰۵

اقتدار خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین بنیان‌های اجتماعی، نقشی حیاتی در سلامت و پایداری جامعه دارد. از اینرو پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر اشتغال مادران بر ساختار اقتدار در خانواده انجام گرفت. رویکرد این مطالعه کیفی بوده و از روش تحلیل تماتیک برای تحلیل داده‌ها بهره گرفته است. جامعه آماری شامل ۲۶ نفر از زنان شاغل دارای حداقل یک فرزند در منطقه یک تهران است که با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته و روش نمونه‌گیری نظری مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که اشتغال مادران به عنوان یک پدیده دگرگون‌ساز، بر سه مؤلفه اصلی: ویژگی‌های ساختاری خانواده، پیامدها، و طبقه اجتماعی تأثیرگذار است. نتایج حاکی از آن است که اشتغال زنان به افزایش قدرت تصمیم‌گیری و توزیع متوازن اقتدار در خانواده منجر شده است. این امر با افزایش منابع ارزشمند (مالی و اجتماعی) در زنان همراه بوده و ساختار اقتدار سنتی را به سمت یک الگوی دموکراتیک و مشارکتی سوق داده است. با این حال، یافته‌ها بیانگر دوگانگی در تجربه مادران شاغل است؛ آن‌ها همزمان با کسب استقلال، عزت نفس، توانمندسازی و اقتدار با چالش‌ها و پیامدهای منفی چون تعارض نقش‌ها، فرسودگی روانی و فقدان حمایت‌های ساختاری نیز مواجه هستند. این چالش‌ها، ضرورت بازنگری در سیاست‌های اجتماعی و حمایت از خانواده‌ها را نمایان می‌سازد تا تعادل و سلامت خانواده حفظ گردد.

کلیدواژگان: اشتغال زنان، اقتدار خانواده، زنان شاغل، تحلیل تم، تهران

این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار

Personal Development and Organizational Transformation

Identification of Sociological Components of Women's Employment on Family Authority: A Qualitative Study Using Thematic Analysis among Working Mothers in District One of Tehran

Nasrin Javadi¹, Ali Rahmani Firooz Jah^{1*}, Ali Asghar Abbasi Asfajir¹, Manochehr Pahlevan¹

1. Department of Sociology, Bab.C., Islamic Azad University, Babol, Iran

*Corresponding Author's Email: Ali.Rahmanni@iau.ac.ir

How to cite: Javadi, N., Rahmani Firooz Jah, A., Abbasi Asfajir, A. A., & Pahlevan, M. (2025). Identification of Sociological Components of Women's Employment on Family Authority: A Qualitative Study Using Thematic Analysis among Working Mothers in District One of Tehran. *Personal Development and Organizational Transformation*, 3(1), 1-17.

Submit Date: 21 June 2025

Revise Date: 09 September 2025

Accept Date: 16 September 2025

Publish Date: 21 March 2026

Abstract

Family authority, as one of the most significant social foundations, plays a vital role in the health and stability of society. Therefore, the present study was conducted with the aim of examining the impact of mothers' employment on the structure of authority within the family. The approach of this study was qualitative, and thematic analysis was employed for data analysis. The statistical population included 26 employed women with at least one child in District One of Tehran, who were studied using semi-structured in-depth interviews and theoretical sampling. The findings of this research revealed that mothers' employment, as a transformative phenomenon, influences three main components: the structural characteristics of the family, consequences, and social class. The results indicated that women's employment led to an increase in decision-making power and a more symmetrical distribution of authority within the family. This process was associated with the enhancement of valuable resources (financial and social) among women, thereby shifting the traditional structure of authority toward a democratic and participatory model. However, the findings also highlighted a duality in the experiences of working mothers; while they gained independence, self-esteem, empowerment, and authority, they also faced negative consequences such as role conflict, psychological exhaustion, and a lack of structural support. These challenges underscore the necessity of revising social policies and strengthening family support systems to maintain family balance and well-being.

Keywords: *Women's employment, family authority, working women, thematic analysis, Tehran*



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

اشتغال زنان به عنوان یکی از تحولات بنیادین در جامعه معاصر، تأثیرات عمیقی بر ساختارهای اجتماعی، به ویژه خانواده، بر جای گذاشته است. خانواده به مثابه سلول بنیادی اجتماع، در طول تاریخ همواره تحت تأثیر نقش ها و جایگاه های جنسیتی قرار داشته است و تغییر در الگوهای مشارکت زنان، بازتعریف تازه ای از روابط قدرت درون خانواده را رقم زده است. مطالعات نشان می دهد که زنان علاوه بر ایفای نقش های سنتی مادری و همسری، با ورود به عرصه های اجتماعی و اقتصادی، توانسته اند اقتدار و نقش تصمیم گیرنده خود را در خانواده گسترش دهند (Qureshi & Sami, 2021). حضور مؤثر زنان در عرصه های اجتماعی و اقتصادی، نه تنها بیانگر شایستگی های فردی آنهاست، بلکه به عنوان عاملی مهم در پایداری و توسعه جامعه نیز تلقی می شود (Suryani et al., 2023).

از سوی دیگر، تحولات فرهنگی و اجتماعی در دهه های اخیر، جایگاه زنان در خانواده و جامعه را متحول ساخته است. افزایش مشارکت زنان در بازار کار و تلاش برای ایفای نقش های چندگانه، از جمله چالش ها و فرصت هایی است که به بازتعریف اقتدار خانوادگی انجامیده است. در بسیاری از جوامع، نقش زنان از حاشیه به مرکز حرکت کرده و با ایجاد استقلال مالی و اجتماعی، به تغییر نگرش های سنتی کمک کرده است (Kalaivani, 2019). این تغییر نگرش ها در جوامع مختلف از جمله ایران، بازتابی از تلاش زنان برای دستیابی به هویت اجتماعی تازه و ایفای نقش های برابر با مردان در عرصه های مختلف بوده است (Basri et al., 2019).

با این حال، تاریخ اجتماعی نشان می دهد که اقتدار زنان در خانواده همواره تحت تأثیر مقاومت های فرهنگی و هنجاری قرار داشته است. در برخی بافت های فرهنگی، زنان توانسته اند موقعیت های قدرت و رهبری چشمگیری به دست آورند، اما در بسیاری از موارد، نظام های مردسالارانه تلاش کرده اند تا نقش آنها را محدود یا تضعیف کنند (Zuccolin & Lett, 2013). این روند به ویژه در حوزه اقتدار خانواده، پیوند نزدیکی با تحولات اجتماعی و مقاومت در برابر ساختارهای سنتی دارد (Kon-Yu & Loon, 2018).

در ایران، جایگاه زنان در خانواده و جامعه همواره تحت تأثیر پیچیدگی های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بوده است. مطالعات تطبیقی نشان می دهد که زنان شاغل در ایران، به ویژه در کلان شهرها، توانسته اند به واسطه اشتغال و تحصیلات، موقعیت های تازه ای در خانواده کسب کنند (Sarikhani, 2012). با این حال، این تحول در بستر چالش های سیاسی و محدودیت های ساختاری شکل گرفته است (Kian, 2014). پژوهش های اجتماعی نیز نشان داده اند که اشتغال زنان در ایران به عنوان یک پدیده اجتماعی، به بهبود کیفیت زندگی و تغییر نقش های سنتی انجامیده است، هرچند همچنان با موانع متعددی از جمله کلیشه های جنسیتی و محدودیت های نهادی روبه روست (Sheykhi, 2013).

در کنار این تحولات، نقش سیاست های کلان در شکل گیری فرصت ها و محدودیت های اشتغال زنان غیرقابل انکار است. فراتحلیل سیاست های جمهوری اسلامی ایران در حوزه اشتغال زنان نشان می دهد که این سیاست ها در بسیاری از موارد نتوانسته اند تعادل میان کار و خانواده را برقرار سازند و همین امر موجب افزایش فشار روانی و اجتماعی بر زنان شده است (Khademi & Yaseri, 2021). این وضعیت به ویژه در شرایطی که زنان برای کسب اقتدار در خانواده نیازمند منابع اقتصادی و اجتماعی بیشتری هستند، اهمیت می یابد (Mohammadi & Rostam Beik Tofreshi, 2020).

از منظر نظری، اشتغال زنان به عنوان عامل توانمندسازی، ابعاد مختلفی از قدرت در خانواده را دگرگون می سازد. استقلال مالی، توانایی تصمیم گیری و افزایش آگاهی اجتماعی از جمله مهم ترین مؤلفه هایی هستند که به بازتعریف اقتدار خانوادگی کمک می کنند (Askari).

(Nodoshan, 2020). افزون بر این، پژوهش‌های جامعه‌شناختی نشان داده‌اند که اشتغال زنان، نه تنها به تقویت منابع قدرت آن‌ها کمک می‌کند، بلکه به توزیع برابرتر قدرت در خانواده و ایجاد الگوهای مشارکتی می‌انجامد (Mahdizadeh, 2023).

از دیدگاه جهانی نیز، ورود زنان به بازار کار در عصر دیجیتال، فرصت‌های تازه‌ای برای آنان فراهم کرده است. در عین حال، این شرایط با چالش‌های نوینی همچون نابرابری‌های دیجیتال و فشارهای مضاعف نقش‌ها همراه است (Fan, 2025). در این میان، تجربه زنان ایرانی را می‌توان به‌عنوان نمونه‌ای از مواجهه با این دوگانگی دانست؛ جایی که زنان همزمان با کسب استقلال و اقتدار، با محدودیت‌های فرهنگی و ساختاری نیز مواجه‌اند (Kermani et al., 2023).

باید توجه داشت که تغییرات ناشی از اشتغال زنان، هم پیامدهای مثبت و هم پیامدهای منفی دارد. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اشتغال، کیفیت زندگی زنان را بهبود بخشیده و آنان را در برابر چالش‌های اجتماعی توانمند ساخته است (Turkman & Fathi, 2016). با این حال، مطالعات دیگر به چالش‌های جدی ناشی از تبعیض جنسیتی و محدودیت‌های فرهنگی اشاره دارند که توانایی زنان در اعمال اقتدار کامل در خانواده را محدود می‌سازد (Labafi & Jalalpoor, 2015).

از منظر توانمندسازی اجتماعی، اشتغال زنان ارتباط نزدیکی با توسعه پایدار و حکمرانی شهری دارد. مشارکت اقتصادی زنان نه تنها به افزایش کیفیت زندگی خانوادگی کمک می‌کند، بلکه در ارتقای نقش آن‌ها در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی نیز مؤثر است (Rezazadeh, 2011). همچنین، تجربه زنان ایرانی در مواجهه با چالش‌های برابری جنسیتی، بازتابی از مطالعات بین‌المللی در زمینه حقوق برابر و فرصت‌های اجتماعی است (Fereydouni, 2011).

به‌طورکلی، اقتدار زنان در خانواده را باید در پیوند با جایگاه آن‌ها در جامعه و میزان مشارکت اقتصادی و اجتماعی آنان بررسی کرد. هرچه سطح آموزش، اشتغال و درآمد زنان افزایش یابد، به همان نسبت توانایی آن‌ها در مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و اجتماعی نیز تقویت می‌شود (Alikhani, 2017). این روند با ایجاد هویت‌های جدید و بازتعریف نقش‌های اجتماعی همراه است و زنان را به بازیگران فعال در عرصه‌های مختلف بدل می‌سازد (Forootan & Shojaei Ghalehni, 2019).

نتیجه آنکه، بررسی اشتغال زنان و تأثیر آن بر اقتدار خانواده، نه تنها از منظر فردی بلکه در سطح کلان اجتماعی اهمیت دارد. این موضوع، بازتابی از تغییرات ساختاری و ارزش‌های فرهنگی در جامعه است که می‌تواند مسیر تحولات آینده را مشخص کند (Jamshidi et al., 2024). درواقع، اشتغال زنان فراتر از یک ضرورت اقتصادی، به‌عنوان یک کنش اجتماعی و فرهنگی مطرح است که پیامدهای گسترده‌ای برای پویایی خانواده و جامعه به همراه دارد.

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر اشتغال زنان بر اقتدار خانواده با تمرکز بر تجربه زیسته مادران شاغل در منطقه یک تهران و شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های جامعه‌شناختی آن است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از منظر رویکرد، یک تحقیق کیفی است که با هدف شناسایی مؤلفه‌های جامعه‌شناختی اشتغال مادران بر اقتدار خانواده انجام گرفته است. در این تحقیق، با تمرکز بر تجربیات زیسته و روایت‌های عمیق مادران، تلاش شده تا به درکی ژرف از پویایی‌های قدرت در خانواده دست یابد. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، زنان متأهل دارای حداقل یک فرزند شاغل در منطقه یک شهر تهران هستند. برای تعیین حجم نمونه، از روش اشباع نظری (Theoretical Saturation) استفاده شد. بر اساس این روش، مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت

که داده‌های جدید، به یافته‌های قبلی ارزش و عمق تازه‌ای نمی‌افزودند. با این رویکرد، در مجموع با ۲۶ نفر از مادران شاغل مصاحبه شد و از نفر بیست و ششم به بعد، اشباع نظری حاصل گردید. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق بود. این روش به پژوهشگر امکان داد تا با طرح پرسش‌های اصلی و دنبال کردن پاسخ‌های شرکت‌کنندگان، به لایه‌های پنهان تجربیات آن‌ها دست یابد و داده‌های غنی و کیفی تولید کند.

در این مطالعه جهت بررسی اعتبار (روایی) یافته‌های کیفی، از روش تأییدپذیری (Confirmability) و انتقال‌پذیری (Transferability) استفاده شده است. برای ارتقای پایایی (قابلیت اعتماد)، نتایج مصاحبه‌ها به مصاحبه‌شوندگان ارائه گردید تا آن‌ها نیز مجدداً صحت و دقت اظهارات خود را تأیید نمایند. این فرآیند که با عنوان بررسی توسط اعضا (Member-checking) شناخته می‌شود، به افزایش دقت داده‌های اولیه کمک شایانی نمود. برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، از روش تحلیل تم (Thematic Analysis) استفاده شد. این رویکرد، یکی از شیوه‌های اصلی در تحقیقات کیفی است که بر شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوهای معنایی (تم‌ها) در داده‌ها تمرکز دارد. تم‌ها به عنوان عناصر کلیدی، مفاهیم و مضامینی هستند که از کلمات، جملات و پاراگراف‌های مصاحبه استخراج می‌شوند. فرآیند تحلیل داده‌ها در این پژوهش شامل چهار گام اصلی زیر می‌باشد:

۱. استخراج مفاهیم کلیدی از متن مصاحبه‌ها.
 ۲. استخراج کدهای باز (Open Codes) از هر مفهوم.
 ۳. ترکیب کدهای باز مرتبط جهت تشکیل کدهای محوری (Axial Codes).
 ۴. دستیابی به کدهای انتخابی (Selective Codes) از طریق ادغام کدهای محوری و ارائه یک مدل مفهومی جامع.
- این فرآیند نظام‌مند، امکان استخراج الگوهای معنایی نهفته در تجربیات مادران شاغل را فراهم آورد.

یافته‌ها

این پژوهش کیفی با انجام مصاحبه‌های عمیق با ۲۶ نفر از مادران شاغل دارای حداقل یک فرزند، به نقطه اشباع نظری دست یافت. یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۴.۳۵ سال بوده و در بازه سنی ۲۰ تا ۳۹ سال قرار داشتند. میانگین سن ازدواج آن‌ها ۲۵.۳۳ سال و میانگین سنی فرزندان‌شان نیز ۵.۲۶ سال بود. از نظر سطح تحصیلات، بخش عمده‌ای از نمونه (۱۴ نفر) دارای مدارک دانشگاهی در سطح کارشناسی و بالاتر بودند، در حالی که ۵ نفر تحصیلات دیپلم یا متوسطه داشتند. در خصوص سابقه اشتغال، ۸ نفر از مصاحبه‌شوندگان قبل از ازدواج و مابقی پس از ازدواج وارد بازار کار شده بودند. از نظر تعداد فرزند، ۱۱ نفر یک فرزند، ۱۰ نفر دو فرزند و ۳ نفر دارای سه فرزند یا بیشتر بودند. این داده‌ها، زمینه اجتماعی-اقتصادی مادران شاغل در این پژوهش را به وضوح ترسیم می‌کند. در این بخش در ابتدا به شناسایی عبارات مهم حاصل از مصاحبه با مشارکت کنندگان تحقیق و سپس تبدیل آن‌ها به کدهای اولیه پرداخته می‌شود که تحت عنوان مضامین پایه شناخته می‌شوند. یافته‌های این بخش به شرح جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. کدگذاری باز

کد مصاحبه شونده	مضامین پایه
P۱-P۱۳	استقلال مالی، استقلال فردی، بالارفتن اعتماد به نفس، کسب رضایت همسر به خاطر کمک به اقتصاد خانواده، مسئولیت پذیری، کاهش ملامت جسمی زنان، سست شدن ارکان خانواده
P۲-P۱۴	انتقال افکار و استرس هایش به کودک، جدایی از خانه و همسر، کسب احترام و الگو بودن، خدمت به جامعه، تنش‌های روحی، تشکیل سرمایه، خستگی زیاد
P۳-P۱۵	همکاری و مشارکت اعضای خانواده، تضاد در نقش مادری و همسری، برآورده نشده انتظارات همسر، نارضایتی همسر، سازگاری زناشویی، کاهش مردسالاری، مشارکت مرد در کارهای خانه،
P۴-P۱۶	تصمیم‌گیری در امور خانواده، بهبود امکانات رفاهی، فشار ناشی از نقش‌ها، عدالت جنسیتی، وارد آوردن فشار بر خود، ش افزایش کیفیت مادری، سختکوشی، نپرداختن به نیازهای خود
P۵-P۱۷	توانمندسازی فرزندان برای مشارکت در کارها، انعطاف در برنامه کاری، کاهش تعداد فرزندان، حمایت همسر، کسب هویت اجتماعی جدید، ارتقای منزلت خانوادگی، امید به آینده، خودباوری
P۶-P۱۸	مدیریت زمان، از خودگذشتگی، افزایش آستانه تحمل، تعیین نحوه گذران اوقات فراغت، ریسک‌پذیری، فضای زندگی بسیار کم، رفت‌وآمد زیاد، پذیرش نقش‌های مردانه
P۷-P۱۹	پنهان کردن عواطف و احساسات، دفاع از حقوق خود در بعضی موارد، پذیرش نقش جدید، مقاومت در مواجهه با افکار جدید، ضعیف شدن اقتدار مرد،
P۸-P۲۰	رشد و تعالی اجتماعی، مشغولیت‌های شغلی و اجتماعی، حس مردانگی و کارآمدی، ایجاد توازن بین محیط خانه و امور شغلی، چالش‌های تربیت فرزندان، عزتمندی و ارزشمندی اجتماعی
P۹-P۲۱	اثبات قابلیت‌های زنان، به دست آوردن پشتیبانی برای پیروی، زیر بار مسئولیتی مضاعف رفتن، ایجاد استرس‌های مداوم، احساس تنهایی، دستیابی به فرصت‌های زندگی،
P۱۰-P۲۲	احترام متقابل، توزیع متقارن قدرت در خانواده، خانواده‌هایی دموکراتیک و متعادل، توانمندسازی زنان، ایجاد روحیه تعاون، همکاری و هماهنگی، روابط دوستانه، صمیمانه و دوسویه و مبتنی بر احترام متقابل میان همسران و تأکید بر اهمیت و مزایای مشورت و مشارکت زن و مرد در محیط‌های خانگی
P۱۱-P۲۴	تغییرات اجتماعی و ارزشی خانواده، روحیات خودخواهانه و فردگرایانه، احساس رضایتمندی، اختلافات و درگیری‌های خانوادگی، تحت الشعاع قرار گرفتن امنیت و آسایش خانه و فرزندان، سهمیه بودن در امور مدیریتی خانه، افزایش تخصص‌ها و مهارت‌های آنان،
P۲۵-P۲۶	همزیستی و مشارکت، افزایش قدرت مادی خانواده، کارآرایی و شایستگی، مدیریت و نقش اعضای خانواده، توزیع قدرت بین همسران، آگاهی زنان نسبت به حقوق فردی، اعمال قدرت،

نتایج حاصل از کدگذاری باز تحلیل تماتیک مصاحبه‌های عمیق با مادران شاغل، ابعاد چندگانه و پیچیده تأثیر اشتغال بر اقتدار خانواده را آشکار ساخت. تحلیل اولیه، طیف گسترده‌ای از مضامین پایه را در پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان نشان داد که می‌توان آن‌ها را در دو محور اصلی: پیامدهای مثبت و پیامدهای منفی اشتغال بر اقتدار و زندگی خانوادگی، دسته‌بندی کرد

۱. پیامدهای مثبت اشتغال

بخش قابل توجهی از یافته‌ها بر جنبه‌های مثبت اشتغال زنان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی تأکید داشتند. این مضامین شامل موارد زیر بود:

- **کسب استقلال و خودباوری:** مشارکت‌کنندگان به طور مکرر به استقلال مالی و فردی به عنوان مهم‌ترین دستاورد اشتغال اشاره کردند. این استقلال نه تنها به افزایش اعتماد به نفس و احساس ارزشمندی اجتماعی منجر می‌شود، بلکه به زنان در کسب هویت اجتماعی جدید و ارتقاء منزلت خانوادگی کمک می‌کند.

- **تغییر در پویایی قدرت خانواده:** نتایج نشان می‌دهد که اشتغال زنان به کاهش مردسالاری و ایجاد روابط دموکراتیک‌تر و متعادل‌تر در خانواده منجر شده است. همکاری و مشارکت همسران در امور خانه، به‌ویژه با حمایت همسر، به عنوان عاملی کلیدی در تسهیل این تغییرات مطرح شد. یک مصاحبه‌شونده اشاره می‌کند که همسرش در امور خانه یاری‌رسان است و از اشتغال او ابراز افتخار می‌کند. این امر به ایجاد توزیع متقارن قدرت و تصمیم‌گیری مشترک در خانواده کمک می‌کند.
- **افزایش کیفیت زندگی:** مادران شاغل به نقش خود در بهبود امکانات رفاهی خانواده و افزایش قدرت مادی اشاره کردند. این مشارکت مالی، به آن‌ها امکان می‌دهد تا نیازهای خانواده و فرزندان را بهتر تأمین کنند و در نهایت، به افزایش کیفیت زندگی منجر شود.
- **توسعه فردی و اجتماعی:** اشتغال به زنان فرصت‌هایی برای رشد و تعالی اجتماعی، افزایش مهارت‌ها و دستیابی به فرصت‌های زندگی می‌دهد. این امر، آن‌ها را به الگویی برای فرزندان تبدیل کرده و به اثبات قابلیت‌های زنان در جامعه کمک می‌کند.

۲. پیامدهای منفی و چالش‌های اشتغال

- یافته‌ها همچنین به طیف گسترده‌ای از چالش‌ها و پیامدهای منفی اشتغال برای مادران اشاره داشتند که می‌تواند اقتدار و سلامت آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. این مضامین عبارتند از:
- **تعارض نقش‌ها و فشار مضاعف:** مادران شاغل اغلب درگیر تضاد در نقش‌های مادری، همسری و شغلی هستند. این امر منجر به وارد آمدن فشار روحی بر خود، خستگی زیاد و نپرداختن به نیازهای شخصی می‌شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان، زنان را به "ماشین" تشبیه می‌کند که شب و روز کار می‌کنند.
 - **عدم حمایت ساختاری و اجتماعی:** بسیاری از مادران به عدم حمایت کافی از سوی جامعه، کارفرمایان و قوانین اشاره کردند. محیط‌های کاری اغلب مردانه توصیف شدند که درک کمی از شرایط مادران شاغل دارند و زنان برای دریافت حقوق خود، مجبور به تلاش مضاعف یا حتی زیر بار رفتن مسئولیت‌های مضاعف هستند. همچنین، عدم حمایت خویشاوندان و نهادهای اجتماعی برای نگهداری از فرزند، فشار فزاینده‌ای بر آن‌ها وارد می‌آورد.
 - **تأثیر بر سلامت جسمی و روانی:** مضامین مرتبط با کاهش سلامت جسمی و روانی به کرات در مصاحبه‌ها مشاهده شد. استرس‌های مداوم، نداشتن حس شادمانی و نادیده گرفتن نیازهای جسمانی (مانند عدم مراجعه به پزشک) از مهم‌ترین پیامدهای این فشارها بودند.
 - **تغییر در پویایی‌های خانواده و احساس گناه:** اشتغال گاهی به سست شدن ارکان خانواده، کاهش زمان با فرزندان و تنش‌های روحی منجر می‌شود. برخی مادران احساس گناه عمیقی را به دلیل کم‌توجهی به فرزندانشان تجربه می‌کنند و برای جبران آن، تلاش مضاعفی در خانه انجام می‌دهند. این احساس گناه گاهی به پذیرش نقش‌های مردانه در خانه و قربانی کردن زمان شخصی منجر می‌شود.
- این یافته‌ها نشان می‌دهد که اشتغال زنان، فرآیندی دوگانه است که هم می‌تواند به توانمندسازی و افزایش اقتدار آن‌ها منجر شود و هم چالش‌های ساختاری و فردی قابل توجهی را به همراه داشته باشد.

-کدگذاری محوری

در گام دوم به دسته بندی مضامین پایه شناسایی شده به مضامین سازمان دهنده اقدام می‌شود که تحت عنوان کدهای محوری شناخته میشود که طی آن کدهای هم خانواده در قالب یک مقوله بزرگتر دسته بندی می‌شوند. در این مرحله ۷ مضمون سازمانده حاصل گردید که نتایج آن به شرح جدول (۲) ارایه شده است.

جدول ۲. کدگذاری محوری

مضامین سازماندهنده	مضامین پایه
ویژگی ساختاری در خانواده	مسئولیت پذیری، سست شدن ارکان خانواده، کسب احترام و الگو بودن، سازگاری زناشویی، سختکوشی، ارتقای منزلت خانوادگی، فضای زندگی بسیار کم، رفت‌وآمد زیاد، پذیرش نقشهای مردانه، پذیرش نقش جدید، مقاومت در مواجهه با افکار جدید، ضعیف شدن اقتدار مرد، زیر بار مسئولیتی مضاعف رفتن، احترام متقابل، توزیع متقارن قدرت در خانواده، خانواده‌هایی دموکراتیک و متعادل، توانمندسازی زنان، ایجاد روحیه تعاون، همکاری و هماهنگی، روابط دوستانه، صمیمانه و دوسویه و مبتنی بر احترام متقابل میان همسران و تأکید بر اهمیت و مزایای مشورت و مشارکت زن و مرد در محیط‌های خانگی، همزیستی و مشارکت، توزیع قدرت بین همسران، اعمال قدرت
تصمیم‌گیری	کاهش مردسالاری، تصمیم‌گیری در امور خانواده، کاهش تعداد فرزندان، تعیین نحوه گذران اوقات فراغت، روحیات خودخواهانه و فردگرایانه، سهم بودن در امور مدیریتی خانه،
تقسیم کار خانگی	کاهش ملامت جسمی زنان، جدایی از خانه و همسر، همکاری و مشارکت اعضای خانواده، مشارکت مرد در کارهای خانه، افزایش کیفیت مادری، توانمندسازی فرزندان برای مشارکت در خانواده، انعطاف در برنامه کاری، مدیریت زمان، ایجاد توازن بین محیط خانه و امور شغلی، چالش‌های تربیت فرزندان، مدیریت و نقش اعضای خانواده
مالکیت منابع ارزشمند	استقلال مالی، استقلال فردی، تشکیل سرمایه، بهبود امکانات رفاهی، افزایش تخصص‌ها و مهارت‌های آنان
مدیریت استرس	انتقال افکار و استرس‌هایش به کودک، تنش‌های روحی، بالا رفتن اعتماد به نفس، خستگی زیاد، برآورده نشده انتظارات همسر، نارضایتی همسر، تضاد در نقش مادری و همسری، فشار ناشی از نقش‌ها، وارد آوردن فشار بر خود، نپرداختن به نیازهای خود، از خودگذشتگی، افزایش آستانه تحمل، پنهان کردن عواطف و احساسات، ایجاد استرس‌های مداوم، احساس تنهایی، احساس رضایت‌مندی، اختلافات و درگیری‌های خانوادگی، تحت الشعاع قرار گرفتن امنیت و آسایش خانه و فرزندان،
دستبازی به فرصت‌های زندگی	کسب رضایت همسر به خاطر کمک به اقتصاد خانواده، حمایت همسر، ریسک‌پذیری، عزت‌مندی و ارزشمندی اجتماعی، به دست آوردن پشتوانه‌ای برای پیری، افزایش قدرت مادی خانواده، کارآرایی و شایستگی
مساوات طلبی	خدمت به جامعه، عدالت جنسیتی، کسب هویت اجتماعی جدید، امید به آینده، خودباوری، دفاع از حقوق خود در بعضی موارد، رشد و تعالی اجتماعی، مشغولیت‌های شغلی و اجتماعی، حس مردانگی و کارآمدی، اثبات قابلیت‌های زنان، تغییرات اجتماعی و ارزشی خانواده، آگاهی زنان نسبت به حقوق فردی،

در گام دوم تحلیل، مضامین پایه به هفت مضمون سازمان‌دهنده یا کدهای محوری دسته‌بندی شدند که ابعاد تأثیر اشتغال بر اقتدار خانواده را در سطوح مختلف تبیین می‌کنند. این مضامین کلیدی، چارچوب نظری و تحلیلی تحقیق را به شرح زیر غنی می‌سازند:

۱. **ساختار و پویایی‌های خانواده:** اشتغال زنان به طور مستقیم بر ساختار سنتی خانواده تأثیر گذاشته و به توزیع متقارن قدرت بین همسران منجر شده است. این روند، با کاهش مردسالاری و ایجاد روابط دموکراتیک و مشارکتی، فضایی برای احترام متقابل و تصمیم‌گیری‌های مشترک فراهم آورده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مادران شاغل به واسطه پذیرش نقش‌های جدید و مسئولیت‌های مضاعف، در حال بازتعریف نقش‌های سنتی هستند.

۲. **تصمیم‌گیری:** این مضمون محوری، نشان‌دهنده تغییر در الگوی تصمیم‌گیری در خانواده است. مادران شاغل به طور فزاینده‌ای در تصمیم‌گیری‌های کلان خانوادگی، از جمله مدیریت مالی و برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت، مشارکت دارند. این امر نه تنها به کاهش

مردسالاری کمک می‌کند، بلکه نشان‌دهنده سهم بودن آن‌ها در امور مدیریتی خانه است. با این حال، در برخی موارد، این تصمیمات با روحیات فردگرایانه و خودخواهانه نیز همراه است.

۳. **تقسیم کار خانگی:** اشتغال زنان به بازنگری در تقسیم وظایف سستی در خانه منجر شده است. همکاری و مشارکت مردان و فرزندان در امور خانه، به کاهش فشار جسمی و ذهنی از روی زنان کمک می‌کند و به آن‌ها امکان می‌دهد تا تعادل بهتری میان محیط کار و خانه ایجاد کنند. با این حال، این تقسیم کار همواره کامل و ایده‌آل نیست و مادران همچنان با چالش‌های مدیریت زمان و ایجاد توازن میان مسئولیت‌های شغلی و خانگی مواجه‌اند.

۴. **مالکیت منابع ارزشمند:** این مضمون بر نقش استقلال مالی و فردی به عنوان منبع اصلی اقتدار تأکید دارد. اشتغال زنان به آن‌ها امکان تشکیل سرمایه و بهبود امکانات رفاهی خانواده را می‌دهد و از طریق افزایش مهارت‌ها و تخصص، شایستگی آن‌ها را افزایش می‌دهد.

۵. **مدیریت استرس:** یافته‌ها نشان می‌دهد که اشتغال، با وجود مزایای مالی، با فشارهای روحی و تنش‌های روانی همراه است. تعارض در نقش‌های مادری و شغلی، منجر به خستگی زیاد، نپرداختن به نیازهای خود و احساس تنهایی می‌شود. این استرس‌ها گاهی به حدی است که به کودک نیز منتقل می‌شود. با این حال، افزایش آستانه تحمل و از خودگذشتگی از راهکارهای زنان برای مدیریت این فشارهاست.

۶. **دستیابی به فرصت‌های زندگی:** اشتغال به زنان فرصت‌های جدیدی برای عزت‌مندی و ارزشمندی اجتماعی می‌دهد و به عنوان یک پشتوانه برای آینده (مانند دوران پیری) تلقی می‌شود. این امر نه تنها با کسب رضایت همسر همراه است، بلکه به افزایش قدرت مادی و کارایی زنان منجر می‌شود.

۷. **مساوات‌طلبی و آگاهی اجتماعی:** این مضمون نشان می‌دهد که اشتغال، آگاهی زنان را نسبت به حقوق فردی و جنسیتی افزایش داده و به آن‌ها روحیه دفاع از حقوق خود را می‌دهد. زنان شاغل، به دنبال اثبات قابلیت‌های خود در جامعه هستند و این امر به تغییرات اجتماعی و ارزشی خانواده و جامعه کمک می‌کند.

این مضامین محوری، نشان‌دهنده پیچیدگی و دوگانگی تأثیر اشتغال بر اقتدار خانواده است؛ فرآیندی که هم به توانمندسازی و خودباوری منجر می‌شود و هم چالش‌ها و فشارهای مضاعفی را بر زنان تحمیل می‌کند.

در این بخش به دسته بندی مضامین سازماندهنده به مضامین فراگیر پرداخته شده است که ۳ مضمون فراگیر شناسایی شدند که نتایج آن به شرح جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. کدگذاری انتخابی

مضامین پایه	مضامین سازماندهنده	مضامین فراگیر
مسئولیت پذیری، سست شدن ارکان خانواده، کسب احترام و الگو بودن، سازگاری زناشویی، سختکوشی، ارتقای منزلت خانوادگی، فضای زندگی بسیار کم، رفت‌وآمد زیاد، پذیرش نقش‌های مردانه، پذیرش نقش جدید، مقاومت در مواجهه با افکار جدید، ضعیف شدن اقتدار مرد، زیر بار مسئولیتی مضاعف رفتن، احترام متقابل، توزیع متقارن قدرت در خانواده، خانواده‌هایی دموکراتیک و متعادل، توانمندسازی زنان، ایجاد روحیه تعاون، همکاری و هماهنگی، روابط دوستانه، صمیمانه و دوسویه و مبتنی بر احترام متقابل میان همسران و تأکید بر اهمیت و	توزیع قدرت در خانواده	ویژگی‌های ساختاری خانواده

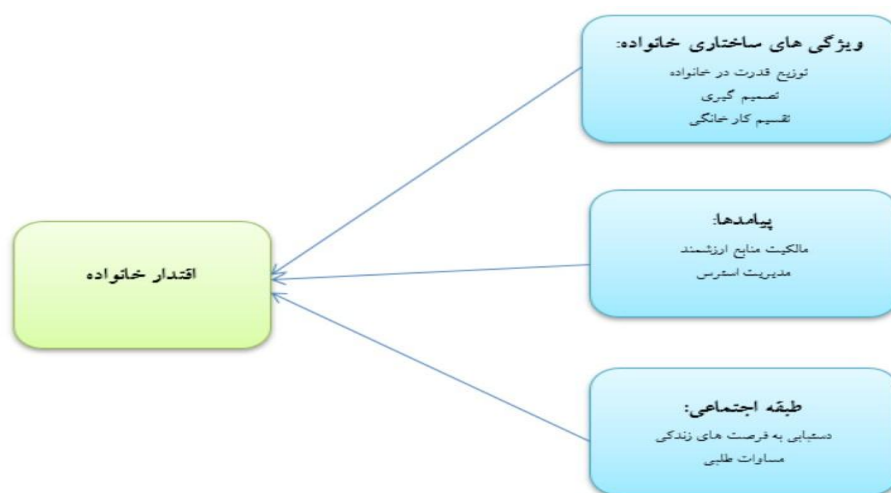
مزایای مشورت و مشارکت زن و مرد در محیط‌های خانگی، همزیستی و مشارکت، توزیع قدرت بین همسران، اعمال قدرت		
کاهش مردسالاری، تصمیم‌گیری در امور خانواده، کاهش تعداد فرزندان، تعیین نحوه گذران اوقات فراغت، روحیات خودخواهانه و فردگرایانه، سهیم بودن در امور مدیریتی خانه،	تصمیم‌گیری	
کاهش ملامت جسمی زنان، جدایی از خانه و همسر، همکاری و مشارکت اعضای خانواده، مشارکت مرد در کارهای خانه، افزایش کیفیت مادری، توانمندسازی فرزندان برای مشارکت در خانواده، انعطاف در برنامه کاری، مدیریت زمان، ایجاد توازن بین محیط خانه و امور شغلی، چالش‌های تربیت فرزندان، مدیریت و نقش اعضای خانواده	تقسیم کار خانگی	
استقلال مالی، استقلال فردی، تشکیل سرمایه، بهبود امکانات رفاهی، افزایش تخصص‌ها و مهارت‌های آنان	مالکیت منابع ارزشمند	پیامدها
انتقال افکار و استرس‌هایش به کودک، تنش‌های روحی، بالارفتن اعتماد به نفس، خستگی زیاد، برآورده نشده انتظارات همسر، نارضایتی همسر، تضاد در نقش مادری و همسری، فشار ناشی از نقش‌ها، وارد آوردن فشار بر خود، نپرداختن به نیازهای خود، از خودگذشتگی، افزایش آستانه تحمل، پنهان کردن عواطف و احساسات، ایجاد استرس‌های مداوم، احساس تنهایی، احساس رضایت‌مندی، اختلافات و درگیری‌های خانوادگی، تحت الشعاع قرار گرفتن امنیت و آسایش خانه و فرزندان،	مدیریت استرس	
کسب رضایت همسر به خاطر کمک به اقتصاد خانواده، حمایت همسر، ریسک‌پذیری، عزت‌مندی و ارزشمندی اجتماعی، به دست آوردن پشتوانه‌ای برای پیری، افزایش قدرت مادی خانواده، کارآیی و شایستگی	دست‌یابی به فرصت‌های زندگی	طبقه اجتماعی
خدمت به جامعه، عدالت جنسیتی، کسب هویت اجتماعی جدید، امید به آینده، خودباوری، دفاع از حقوق خود در بعضی موارد، رشد و تعالی اجتماعی، مشغولیت‌های شغلی و اجتماعی، حس مردانگی و کارآمدی، اثبات قابلیت‌های زنان، تغییرات اجتماعی و ارزشی خانواده، آگاهی زنان نسبت به حقوق فردی،	مساوات طلبی	

در آخرین مرحله از تحلیل تماتیک، با تلفیق کدهای محوری، سه مضمون فراگیر اصلی شناسایی شد که چارچوب کلی نتایج تحقیق را تشکیل می‌دهند. این مضامین نشان می‌دهند که اشتغال مادران شاغل در منطقه یک تهران، به طور همزمان بر ویژگی‌های ساختاری خانواده و طبقه‌بندی اجتماعی تأثیر می‌گذارد و همزمان پیامدهای فردی و خانوادگی نیز بدنبال دارد که به شرح زیر می‌باشند:

- ۱. ویژگی‌های ساختاری خانواده:** این مضمون فراگیر، بر تغییرات اساسی در پویایی قدرت و روابط خانوادگی متمرکز است. نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که اشتغال زنان به بازنگری در توزیع قدرت منجر شده و به جای مدل‌های سنتی و سلسله‌مراتبی، خانواده‌هایی دموکراتیک و متعادل را شکل داده است. این فرآیند از طریق کاهش مردسالاری، مشارکت مردان در امور خانگی و تصمیم‌گیری‌های مشترک نمایان می‌شود. در این ساختار جدید، مادران شاغل با پذیرش نقش‌های جدید و مسئولیت‌های مضاعف، به دنبال ایجاد هم‌زیستی و همکاری متقابل هستند.
- ۲. پیامدها:** این مضمون بر آثار و نتایج مستقیم و غیرمستقیم اشتغال بر زندگی مادران و خانواده آن‌ها تمرکز و اشاره دارد. از منظر مصاحبه‌شوندگان، اشتغال با ایجاد استقلال مالی و مالکیت منابع ارزشمند، به افزایش عزت‌مندی و ارزشمندی اجتماعی زنان منجر می‌شود. با این حال، این مزایا اغلب با چالش‌های جدی همراه است. مادران شاغل به طور مداوم با مدیریت استرس و تعارض نقش‌ها دست به گریبان هستند که می‌تواند منجر به خستگی زیاد، نپرداختن به نیازهای خود و انتقال تنش به فرزندان شود. این بخش از یافته‌ها، تصویری دوگانه از توانمندسازی در کنار فرسودگی ارائه می‌دهد.

۳. طبقه‌بندی اجتماعی: نهایتاً این مضمون هم نشان می‌دهد که اشتغال زنان، به دلیل دسترسی به فرصت‌های زندگی و کسب مهارت‌های تخصصی، به ارتقاء جایگاه اجتماعی آن‌ها کمک می‌کند. این فرآیند، با تقویت مساوات‌طلبی و عدالت جنسیتی، به زنان امکان می‌دهد تا با آگاهی نسبت به حقوق خود، به تغییرات ارزشی و اجتماعی در جامعه کمک کنند. از این منظر، اشتغال نه تنها یک انتخاب فردی، بلکه یک کنش اجتماعی است که به اثبات قابلیت‌های زنان و بازتعریف نقش‌های اجتماعی آنان منجر می‌شود.

لذا این سه مضمون فراگیر، یک مدل مفهومی یکپارچه از پژوهش را تشکیل می‌دهند که نشان می‌دهد اشتغال مادران شاغل (به عنوان یک متغیر اصلی) بر سه مؤلفه کلیدی ساختار خانواده، پیامدهای فردی/خانوادگی و جایگاه اجتماعی تأثیر می‌گذارد. این مدل، تصویری جامع از ابعاد چندگانه و پیچیده این پدیده ارائه می‌دهد که در ادامه ارائه می‌شود.



شکل ۱. مدل پارادایمی اشتغال زنان و مولفه‌های تأثیر گذار بر اقتدار خانواده

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که اشتغال زنان به عنوان یک پدیده دگرگون‌ساز، نقش چشمگیری در بازتعریف اقتدار خانواده دارد. زنان شاغل در این مطالعه تأکید داشتند که با دسترسی به منابع ارزشمند اقتصادی و اجتماعی، توانسته‌اند سهم بیشتری در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی داشته باشند و ساختار سنتی اقتدار را به سمت الگویی دموکراتیک و مشارکتی سوق دهند. این نتایج با مطالعات پیشین همخوانی دارد که نشان داده‌اند استقلال مالی زنان سبب تقویت توان تصمیم‌گیری و افزایش اقتدار آنان در خانواده می‌شود (Askari Nodoshan, 2020). همچنین یافته‌ها آشکار ساخت که اشتغال زنان با افزایش اعتمادبه‌نفس و خودباوری، هویت اجتماعی تازه‌ای را برای آنان فراهم کرده است که با نتایج پژوهش‌های جامعه‌شناختی هم‌راستا است (Mahdizadeh, 2023).

یافته‌های کیفی نشان می‌دهد که اشتغال زنان به کاهش سلطه مردسالارانه و افزایش مشارکت مردان در امور خانگی منجر می‌شود. این امر در نهایت به ایجاد روابط دموکراتیک‌تر و عادلانه‌تر در خانواده انجامیده است. پژوهش‌های تطبیقی نیز نشان می‌دهند که تغییر در تقسیم کار خانگی و افزایش سهم زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان خانوادگی، پیوند مستقیمی با اشتغال آنان دارد (Sarikhani, 2012). از سوی دیگر، بررسی‌های فرهنگی نیز حاکی از آن است که تحولات در روابط جنسیتی، همواره تحت تأثیر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی قرار دارد (Kian,).

2014). به همین دلیل، نتایج این پژوهش در خصوص تغییر نقش‌های جنسیتی در خانواده‌های ایرانی، نشانگر گذار از اقتدار سلسله‌مراتبی به سمت الگوهای مشارکتی است که در پژوهش‌های بین‌المللی نیز مورد تأیید قرار گرفته است (Kon-Yu & Loon, 2018).

با این حال، یافته‌ها بیانگر دوگانگی‌های آشکار نیز هستند. زنان شاغل ضمن دستیابی به استقلال، عزت نفس و اقتدار، با چالش‌هایی چون تعارض نقش‌ها، فرسودگی روانی و فشارهای اجتماعی مواجه بوده‌اند. بسیاری از آنان گزارش دادند که همزمان با ایفای نقش‌های مادری، همسری و شغلی، با استرس‌های مضاعف و خستگی شدید مواجه می‌شوند. این یافته با پژوهش‌هایی همخوانی دارد که نشان داده‌اند تعارض کار-خانواده از پیامدهای اجتناب‌ناپذیر اشتغال زنان است (Khademi & Yaseri, 2021). در واقع، عدم تعادل میان نقش‌های خانوادگی و شغلی، نه تنها سلامت روانی زنان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد بلکه بر کیفیت روابط خانوادگی نیز اثرگذار است (Sheykhi, 2013).

از سوی دیگر، پژوهش حاضر نشان داد که نبود حمایت‌های ساختاری و اجتماعی یکی از مهم‌ترین موانع زنان شاغل است. بسیاری از زنان بیان کردند که محیط‌های کاری اغلب درک اندکی از شرایط مادران دارند و سیاست‌های حمایتی ناکافی‌اند. این یافته با پژوهش‌هایی که به ناکارآمدی سیاست‌های کلان در حوزه اشتغال زنان اشاره کرده‌اند، همسو است (Mohammadi & Rostam Beik Tofreshi, 2020). همچنین، بررسی‌های سیاست‌گذاری در ایران نشان داده‌اند که برنامه‌های موجود در حوزه زنان، به‌ویژه در زمینه ایجاد تعادل میان کار و خانواده، ناکافی بوده‌اند (Khademi & Yaseri, 2021). چنین شرایطی سبب می‌شود زنان برای حفظ جایگاه خود در خانواده و جامعه، بهای سنگینی در قالب فشارهای روانی و جسمی بپردازند.

از منظر نظری، نتایج پژوهش حاضر تأکید می‌کند که اشتغال زنان علاوه بر فراهم آوردن استقلال مالی، به بازتعریف نقش‌های اجتماعی و افزایش آگاهی جنسیتی منجر می‌شود. زنان شاغل در مصاحبه‌ها بیان کردند که با اشتغال، بیش از گذشته به حقوق فردی و اجتماعی خود آگاه شده‌اند و در پی اثبات قابلیت‌هایشان در عرصه‌های اجتماعی هستند. این یافته با مطالعاتی هم‌راستا است که اشتغال زنان را عامل تقویت برابری جنسیتی و افزایش نقش اجتماعی آن‌ها دانسته‌اند (Rezazadeh, 2011 #271655; Fereydouni, 2011). از این منظر، اشتغال زنان نه تنها به تغییر درون‌خانوادگی، بلکه به تغییرات اجتماعی کلان نیز کمک می‌کند و آنان را به عاملان تحول اجتماعی بدل می‌سازد (Suryani et al., 2023).

از سوی دیگر، پژوهش حاضر نشان داد که اشتغال زنان می‌تواند به ارتقای جایگاه اجتماعی و طبقاتی آنان کمک کند. دسترسی به منابع مالی و مهارت‌های تخصصی، زنان را قادر ساخته است تا نقش پررنگ‌تری در زندگی خانوادگی و اجتماعی ایفا کنند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پیشین در خصوص نقش اشتغال در ارتقای جایگاه اجتماعی زنان همسو است (Forootan & Shojaei Ghalehni, 2019). همچنین، مطالعات نشان داده‌اند که در عصر دیجیتال، اشتغال زنان نه تنها فرصت‌های تازه‌ای برای رشد فردی فراهم می‌آورد، بلکه آنان را در معرض چالش‌های تازه‌ای نیز قرار می‌دهد (Fan, 2025). این چالش‌ها در بافت فرهنگی ایران با محدودیت‌های نهادی و اجتماعی ترکیب می‌شوند و پیچیدگی‌های بیشتری را به تجربه زنان شاغل می‌افزایند (Kermani et al., 2023).

یافته‌های این تحقیق همچنین نشان داد که اشتغال، با وجود تمام مزایا، پیامدهایی چون کاهش زمان برای فرزندان و افزایش احساس گناه در مادران به همراه دارد. بسیاری از زنان شاغل اذعان داشتند که به دلیل فشارهای شغلی، زمان کمتری را صرف مراقبت از فرزندان می‌کنند که این امر بر روابط عاطفی آنان تأثیر می‌گذارد. این یافته با پژوهش‌هایی که به دوگانگی نقش زنان در حوزه خانواده و کار اشاره دارند، همخوانی دارد (Turkman & Fathi, 2016). با وجود این، بسیاری از زنان توانسته‌اند با مدیریت زمان و تقسیم وظایف خانوادگی، تا حدی این

تعارض‌ها را کاهش دهند. این موضوع نشان می‌دهد که با اصلاح سیاست‌های حمایتی و ارتقای آگاهی اجتماعی، می‌توان از شدت تعارض‌های کار-خانواده کاست.

در نهایت، نتایج نشان داد که اشتغال زنان فرآیندی چندبعدی و پیچیده است که همزمان پیامدهای مثبت و منفی به همراه دارد. از یک سو، اشتغال به توانمندسازی، استقلال و افزایش اقتدار زنان در خانواده منجر می‌شود و از سوی دیگر، فشارهای روانی، اجتماعی و فرهنگی را بر آنان تحمیل می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش‌هایی همسو است که اشتغال زنان را عاملی دوگانه معرفی کرده‌اند؛ عاملی که در عین توانمندسازی، محدودیت‌های تازه‌ای را نیز ایجاد می‌کند (Labafi, 2015 #271653; Basri et al., 2019).

این پژوهش با وجود یافته‌های ارزشمند خود، دارای محدودیت‌هایی نیز بود. نخست آنکه مطالعه حاضر بر یک نمونه محدود از مادران شاغل در منطقه یک تهران متمرکز بود؛ بنابراین، تعمیم نتایج به سایر مناطق جغرافیایی ایران یا بافت‌های فرهنگی متفاوت باید با احتیاط صورت گیرد. دوم، روش کیفی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته هرچند عمق داده‌های غنی را فراهم آورد، اما ممکن است تحت تأثیر سوگیری‌های فردی مصاحبه‌شوندگان یا شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی آنان قرار گرفته باشد. سوم، به دلیل حساسیت موضوع، برخی از زنان ممکن است در بیان کامل تجربه‌های خود ملاحظه‌کاری کرده باشند که این امر می‌تواند بر شفافیت داده‌ها تأثیر گذاشته باشد. همچنین، پژوهش حاضر بر تجربه زنان تمرکز داشت و دیدگاه مردان به‌عنوان همسران زنان شاغل در نظر گرفته نشد که می‌تواند تصویر کامل‌تری از پویایی‌های اقتدار خانواده ارائه دهد.

با توجه به یافته‌ها و محدودیت‌های پژوهش حاضر، چند مسیر برای تحقیقات آینده پیشنهاد می‌شود. نخست، انجام مطالعات تطبیقی در مناطق و فرهنگ‌های مختلف ایران می‌تواند به روشن‌تر شدن ابعاد گوناگون تأثیر اشتغال زنان بر اقتدار خانواده کمک کند. دوم، مطالعات طولی بر روی نسل‌های مختلف از زنان شاغل می‌تواند نشان دهد که چگونه اشتغال در طول زمان بر ساختار قدرت خانوادگی اثر می‌گذارد. سوم، توجه به دیدگاه مردان به‌عنوان همسران زنان شاغل می‌تواند تصویر جامع‌تری از تعارض‌ها و همگرایی‌های کار-خانواده ارائه دهد. چهارم، تحقیقات آینده می‌توانند نقش فناوری‌های نوین، به‌ویژه فرصت‌های اشتغال در اقتصاد دیجیتال، را در تغییر ساختار اقتدار خانواده بررسی کنند. نهایتاً، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بعدی به اثرات سیاست‌های جدید دولتی یا برنامه‌های رفاهی بر کاهش فشارهای ناشی از تعارض کار-خانواده بپردازند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، چند راهکار کاربردی برای بهبود وضعیت زنان شاغل و خانواده‌های آنان پیشنهاد می‌شود. نخست، سیاست‌گذاران باید به تدوین برنامه‌های حمایتی مؤثرتر بپردازند؛ از جمله مرخصی‌های کافی، ساعات کاری انعطاف‌پذیر و ایجاد مراکز نگهداری از کودکان در محل کار. دوم، فرهنگ‌سازی در جامعه برای ارزشمند دانستن تقسیم عادلانه وظایف خانگی میان زن و مرد می‌تواند از فشارهای نقش بر زنان بکاهد. سوم، نهادهای اجتماعی و رسانه‌ها باید به ترویج نگرش‌های مثبت نسبت به اشتغال زنان بپردازند و کلیشه‌های جنسیتی را به چالش بکشند. در نهایت، تقویت شبکه‌های حمایت اجتماعی، اعم از خانواده گسترده و نهادهای محلی، می‌تواند به کاهش بار روانی و اجتماعی مادران شاغل کمک کند و تعادل بیشتری میان نقش‌های شغلی و خانوادگی آنان ایجاد نماید.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

Extended Abstract

Introduction

Family authority, as a core sociological construct, has historically played a decisive role in sustaining household stability and shaping broader social structures. In contemporary societies, the shifting dynamics of gender roles and women's increasing participation in the labor force have redefined patterns of power and authority within families. Numerous studies have emphasized that women's employment influences family structures not only economically but also socially and culturally, thereby reshaping traditional hierarchies of authority (Qureshi & Sami, 2021). Women's participation in the labor market is recognized as an empowering factor that provides access to financial and social resources, enhances their decision-making power, and fosters gender equality in both private and public spheres (Suryani et al., 2023).

Recent scholarship has underscored the transformative role of women in the context of globalization, modernization, and technological advancement. The expansion of women's employment opportunities has challenged long-standing patriarchal norms and has introduced new democratic and participatory models of family authority (Kalaivani, 2019). This global pattern can also be observed in regional and local contexts, such as in Iran, where socio-economic pressures, educational attainment, and cultural change have accelerated women's entry into the workforce (Basri et al., 2019). Importantly, this transformation highlights not only the economic contributions of women but also their active role in redefining cultural and symbolic forms of authority within the household (Zuccolin & Lett, 2013).

While women's empowerment through employment has received scholarly recognition, the dualities inherent in this process remain evident. On one hand, employment offers independence, autonomy, and increased authority; on the other hand, it exposes women to multiple burdens, including role conflict, psychological strain, and social resistance. Such contradictions illustrate the interplay between structural opportunities and cultural constraints (Kon-Yu & Loon, 2018). In Iran, the dynamics of women's employment within families are shaped by an intricate nexus of traditional norms, state policies, and aspirations for financial independence. This duality creates a complex environment where women gain authority in some domains while facing challenges in others (Sarikhani, 2012).

The Iranian context provides a unique lens for understanding these dynamics. Scholars have noted that women's employment has contributed to higher household welfare and the reconfiguration of gendered family roles, yet entrenched cultural norms and policy gaps continue to limit women's full exercise of authority (Kian, 2014). Moreover, demographic transformations, particularly urbanization and the shrinking size of households, have intensified the need for dual-earner family models, thus further shifting traditional patterns of authority (Sheykhi, 2013). Despite these changes, policy frameworks have often failed to adequately support work-family balance, leaving women vulnerable to role strain and institutional barriers (Khademi & Yaseri, 2021).

The literature has also emphasized the sociological link between women's economic participation and their negotiation of power within family structures. Employment strengthens women's bargaining position by providing them with financial capital and symbolic recognition (Askari Nodoshan, 2020). These findings echo broader sociological frameworks that view women's work as a key driver in the democratization of familial relationships and the redistribution of power (Mahdizadeh, 2023). At the same time, international studies highlight that the digital economy offers new opportunities and challenges, with women facing both expanded employment potential and heightened risks of inequality (Fan, 2025).

Previous research in Iran also reflects this duality. On one side, qualitative inquiries highlight women's resilience and strategies in navigating patriarchal structures to achieve employment opportunities and authority (Kermani et al., 2023). On the other, studies reveal persistent socio-cultural constraints, including discrimination, exclusion from male-dominated networks, and limited institutional support, which undermine women's agency (Labafi & Jalalpoor, 2015). Comparative studies demonstrate that these challenges are not unique to Iran but are part of broader global struggles for gender equality and empowerment (Fereydouni, 2011; Rezazadeh, 2011).

In light of these complexities, the present study seeks to qualitatively explore the sociological components of women's employment on family authority among working mothers in District One of Tehran. Unlike prior quantitative or policy-focused studies, this research adopts a thematic analysis approach to capture lived experiences and nuanced meanings associated with employment and authority. By focusing on the voices of employed mothers, the study aims to contribute to theoretical debates on gender, work, and family power structures, while offering practical insights for social policy and gender equity.

Methods and Materials

This study employed a qualitative research design, relying on thematic analysis to examine the impact of women's employment on family authority. The target population consisted of employed mothers residing in District One of Tehran, each with at least one child. A total of 26 participants were selected through theoretical sampling to ensure diversity and depth of perspectives. Data were collected using semi-structured, in-depth interviews, which allowed participants to share personal narratives and experiences regarding their employment and its influence on family dynamics.

The interviews continued until theoretical saturation was achieved, meaning no new insights or themes emerged from subsequent interviews. Data analysis followed the systematic stages of thematic analysis: open coding, axial coding, and selective coding. This process facilitated the identification of key themes and subthemes reflecting structural, social, and personal dimensions of family authority. To ensure credibility and trustworthiness, member-checking was conducted by presenting findings to participants for confirmation.

Findings

The analysis revealed three overarching themes representing the sociological impact of women's employment on family authority: (1) structural characteristics of the family, (2) outcomes, and (3) social class.

First, women's employment reshaped the structural characteristics of families by fostering shared decision-making, reducing patriarchal dominance, and introducing more democratic family models. Participants emphasized that employment enabled them to assert greater influence in household decisions, including financial management, child-rearing, and leisure planning. This redistribution of authority not only reduced male dominance but also promoted cooperative and respectful relationships between spouses.

Second, the findings highlighted the outcomes of employment for women and their families. Positive outcomes included financial independence, enhanced self-esteem, empowerment, and improved quality of life. Participants reported that their employment elevated their social recognition and strengthened their sense of identity. However, negative outcomes were also reported, such as role conflict, stress, fatigue, and emotional strain. Many women described the burden of balancing work, motherhood, and domestic responsibilities, often leading to guilt and tension within the household. Third, the analysis revealed the role of employment in shaping women's social class positioning. Employment provided access to valuable financial and social resources, enabling women to secure better living standards and strengthen their bargaining power in both family and society. Participants highlighted that employment allowed them to achieve long-term security, invest in children's education, and gain recognition in broader social networks.

Overall, the findings demonstrate that women's employment exerts a dual influence on family authority: it simultaneously enhances empowerment and introduces new pressures.

Discussion and Conclusion

The findings of this study confirm that women's employment serves as a transformative force in reshaping family authority, aligning with previous research highlighting the empowering effects of financial independence and social participation ([Askari Nodoshan, 2020](#); [Mahdizadeh, 2023](#)). By securing financial resources and symbolic recognition, women expand their decision-making authority, thereby democratizing family structures. This corresponds with global research showing that employment strengthens women's positions in familial power dynamics and promotes gender equality ([Rezazadeh, 2011](#)).

However, the dual nature of employment outcomes must be emphasized. While women gain independence and authority, they also confront heightened stress and role conflict, consistent with findings on the challenges of work-family balance ([Khademi & Yaseri, 2021](#)). These pressures are compounded by inadequate institutional support, mirroring critiques of policy inefficiencies in fostering genuine gender equity ([Mohammadi & Rostam Beik Tofreshi, 2020](#)). Similar to other sociological studies, this research underscores the persistence of cultural and structural barriers that limit women's full exercise of authority despite economic empowerment ([Labafi & Jalalpoor, 2015](#)).

The results also highlight the broader social implications of women's employment. Beyond individual and familial outcomes, employment contributes to women's social mobility and empowerment at the community level, echoing findings that link women's participation in the workforce to enhanced urban governance and sustainable development ([Fereydouni, 2011](#); [Rezazadeh, 2011](#)). Employment provides women with opportunities to assert their capabilities, challenge stereotypes, and contribute to cultural transformation ([Kian, 2014](#)).

In conclusion, women's employment in Tehran represents both an opportunity and a challenge. It offers empowerment, independence, and enhanced authority in families while simultaneously imposing new burdens of stress and responsibility. This duality reflects the broader tension between progress toward gender equality and the persistence of structural and cultural constraints. Ultimately, the study affirms that women's employment is not merely an economic necessity but a sociological phenomenon that reshapes family authority, contributes to social change, and necessitates policy reforms that support work-family balance and gender equity.

References

Alikhani, M. (2017). *Theoretical and Research Foundations of Gender Psychology and Androgyny Theory*. Mehrab.

- Askari Nodoshan, S. (2020). Women's Employment and Decision-Making Power in the Family: A Comparative Study of Employed and Unemployed Women in Yazd City. *Women's Police Studies*(32), 111-128. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1682651/>
- Basri, I., Ratna, E., & Zulfikarni, Z. (2019). The Position and the Role of Women in Local Minangkabau Novels. *Proceedings of the 2nd International Conference on Language, Literature and Education, ICLLE 2019*. <https://doi.org/https://www.semanticscholar.org/paper/ccbcb10ec3ad1c060df9caf85176d05c1be83410>
- Fan, D. (2025). High-Quality and Full Employment of Women in the Digital Economy Era: Challenges and Opportunities. *Asia Pac. Econ. Manag. Rev.*, 1(1). <https://doi.org/10.62177/apemr.v1i1.258>
- Fereydouni, S. (2011). Female Students' Views of Gachsaran Islamic Azad University and Housewives of Gachsaran (South Western of Iran) on Challenges Facing with Equality of Men and Women Right. *International Journal of Social Science and Humanity*, 1(2), 135-137. <https://doi.org/10.7763/IJSSH.2011.V1.23>
- Forootan, Y., & Shojaei Ghalehni, M. (2019). A Social Approach to Women's Employment in Iran. *Iranian Journal of Sociology*, 20(4), 33-47. http://www.jsi-isa.ir/article_47868.html
- Jamshidi, G., Karimzadeh-Viyarsagh, S., Abdoli, E., Jalalvand, A., & Alborzpoor, R. (2024). A Comparative study of Self-Compassion, Character strength, and Psychological Capital between Working Women Heads of Households and Housewives: A comparative study between working women heads of households and housewives. *International Journal of Body, Mind and Culture*, 11(5), 591-603. <https://doi.org/10.22122/ijbmc.v11i5.647>
- Kalaivani, E. (2019). Women's Role in Society and Family. *International Journal of Arts, Science and Humanities*, 6(Special Issue: 1). <https://doi.org/10.5281/zenodo.2556577>
- Kermani, M., Asemani, F., Majidi, A. A., & Hasni Daramiyan, G. (2023). Women in the Maze of Employment: A Qualitative Study of Women's Strategies for Gaining Job Opportunities (Case Study: Employed Women in Mashhad in 2019-2020). *Women's Research Journal*, 14(1), 171-195. https://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_8718.html?lang=en
- Khademi, A., & Yaseri, Z. (2021). Meta-Analysis of the Islamic Republic of Iran's Policies on Women's Employment with an Emphasis on Work-Family Balance. *Woman in Development And Politics*, 19(1), 1-20. https://jwdp.ut.ac.ir/article_80994.html
- Kian, A. (2014). Gender Social Relations and the Challenge of Women's Employment. *Middle East Critique*, 23, 333-347. <https://doi.org/10.1080/19436149.2014.943594>
- Kon-Yu, N., & Loon, J. V. (2018). Gendered Authorship and Cultural Authority in Siri Hustvedt's the Blazing World. *Contemporary Women's Writing*, 12(1), 49-66. <https://doi.org/10.1093/cwwrit/vpx038>
- Labafi, S., & Jalalpoor, M. (2015). Challenges of Women for Entering in to Old Boys' Network Case study: Iran Universities. *The International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 5, 67-84. <https://doi.org/https://www.semanticscholar.org/paper/ada5a3a8a241dd7e3d896ab4671085f3d79b8022>
- Mahdzadeh, S. (2023). Sociological Examination of Power Structure in the Family (with Emphasis on Women's Employment). *First International Conference on Sociology, Social Sciences, and Education with a Future-Oriented Approach*. <https://jisem-journal.com/index.php/journal/article/download/10708/4930/20037>
- Mohammadi, S., & Rostam Beik Tofreshi, A. (2020). Representation of Women in the Discourse of Activist Rights in Iran. *Women's Research Journal*, 11(3), 165-191. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1690145/>
- Qureshi, H. A., & Sami, A. (2021). The Role of Women in Building and Sustaining Society: A Study in the Light of the Seerah of the mothers of the Faithful. *Al-Qamar*. <https://doi.org/10.53762/dhm1j709>
- Rezazadeh, R. (2011). Women Empowerment and Good Urban Governance in Iran. *Asian Social Science*, 7(3), 260-268. <https://doi.org/https://www.semanticscholar.org/paper/fd29c57edba391e98cf4f93b48e0a729629d3327>
- Sarikhani, N. (2012). Individual Autonomy of Muslim Married Working Women in India and Iran: A Comparative Study of Mysore and Ahvaz Cities. *Studies on Home and Community Science*, 6, 127-138. <https://doi.org/10.1080/09737189.2012.11885378>
- Sheykhi, M. (2013). Working and Non-Working Women in Iran: A Socio-Demographic Study of Quality of Life. *Middel East Journal of psychiatry and Alzheimer's*, 4(1). <https://doi.org/10.5742/MEJPA.2013.41179>
- Suryani, A., Saifulloh, M., Zahrok, S., Muhibbin, Z., & Savitri, E. D. (2023). Encouraging Factors for Women's Empowerment in Community Care and Social Work. *Aplikasi Administrasi: Media Analisa Masalah Administrasi*, 26(2), 154-169. <https://doi.org/10.30649/aamama.v26i2.221>
- Turkman, S., & Fathi, S. (2016). Analysis of the Effects of Women's Employment on Their Quality of Life (Case Study of Women Employed in the Ministry of Science, Research and Technology). *Scientific-Research Quarterly of Woman and Society*, 7(4), 13-25. <https://sid.ir/paper/168993/fa>
- Zuccolin, G., & Lett, D. (2013). *Monica H. Green, Making Women's Medicine Masculine: The Rise of Male Authority in Pre-Modern Gynecology*. <https://doi.org/https://www.semanticscholar.org/paper/5ca2bbc0ab5c2baf0b445d6449c11afc5ef391d>